

گفت‌وگو

اوجلان، ایدئولوژی و هدف PKK را نشانه گرفته است

به همین دلیل است می‌گویم صفر تا صد این پیام و تک‌تک کلمات و جملات آن در نهایت دقت و وسوساس انتخاب شده است و بسیار مهم و متفاوت از پیام‌های قبلی اوجلان است. این یک زلزله در جریان‌های چپ مسلح کردی خواهد بود.

ک **ن**کته دیگری که جا دارد به آن پرداخت، نقش دولت **باغچلی** و حزب **حرکت ملی (MHP)** است. چون **من** در **تحلیلی** از **میدل‌ایست‌آی** و **رویتز** خواندم **زمانی** که اردوغان و دولتش **مسئولیت** مذاکرات را با حزب **«دموکراسی و برابری خلق‌ها»** موسوم به **دم پارتی (DEM)** و **اوجلان** قبول نمی‌کنند، شاید به دنبال **برهم‌زدن توافق** در آینده باشند، بدون آنکه **مسئولیتی** را **متوجه خود** کنند.

اتفاقا من از منظر دیگری به موضوع نگاه می‌کنم.

ک **ا**ز چه منظری؟

اینکه اردوغان در نهایت هوشمندی، رایکال‌ترین یا یکی از رایکال‌ترین جریان‌های ترکیه را مسئول مذاکره با دم پارتی و اوجلان کرده است.

ک **م**توجه تحلیلتان نشدم…

برای اینکه منظورم را بهتر برسانم، بگذارید یک مثالی از ایران بزنم. در یک فرض محال اگر روزی قرار باشد جمهوری اسلامی ایران گروهی مثل سازمان مجاهدین [منافقین] وارد مذاکره شود، تهران بهترین گزینه را انتخاب یک جریان مانند پایداری برای این مذاکرات می‌داند که **مسئولیت** مذاکرات را بپذیرد؛ می‌دانید چرا؟

ک **چون پایداری‌ها یا اساسا مذاکره را با این سازمان مشروع نمی‌دانند یا در صورت هرگونه مذاکره احتمالی به دنبال حداکثر خواسته‌ها و با هدف نابودی کامل آنها خواهند بود…**

احسنست و این هدفی است که به نظر من اردوغان با دولت باغچلی در مذاکره با اوجلان و دم پارتی پی گرفت که یک جریان رایکال ترکی، عملا تنها هدفش نابودی اسطوره اوجلان و ازبین‌رفتن و انحلال PKK بود. **ک** **ف**راومش کننیم که برای مثال **دفتر مرکزی حزب «ظفر» در آنکارا هفته‌ها پیش از پیام اوجلان بنری با شعار «هیچ عفری بسرای قاتلان فرزندانمان نمی‌پذیریم»**، **علیه PKK** **نصب کرده** است. **این قرانته‌های رایکال معادلات را برهم خواهد زد؟**

خبر. چون ما با یک پژوه بسیار دقیق و حساب‌شده امنیتی مواجهیم که هدف آن نابودی اسطوره اوجلان و از بین رفتن و انحلال PKK است که بدون شک ایجاد منطقه‌ای هم دارد.

ک **پس می‌توان تحلیل شما را این‌گونه زیر سؤال برد که بیانیه اوجلان شاید پروژه بزرگ‌تری از «میت» باشد؛ ازما این سؤال است؟**

بله. این نکته شما کاملا درست است و می‌توان احتمال داد که این پروژه به‌جز میت با همراهی همکاری و هماهنگی دیگر دستگاه‌ها اطلاعاتی و امنیتی منطقه‌ای و حتی فرمانطفه‌ای انجام شده است؛ به خصوص اینکه دونالد ترامپ روی کار آمده است. فعلا ما از کم و کیف این هماهنگی‌های احتمالی خبر نداریم، اما قطعاً بازگشت ترامپ به کاخ سفید، فضای مناسبی را برای اجرای ادجی پیام اوجلان به دنبال آن است، فراهم خواهد کرد.

ک **حالا اگر به هر دلجلی PKK یا بغضشی از PKK با درخواست و فراخوان اوجلان همراه نباشند، اردوغان، میت، دولت باغچلی و دیگر نهادهای امنیتی منطقه‌ای و فرمانطفه‌ای شکست خواهند خورد؟**

خبر، حتی اگر این بیانیه عصر پنجشنبه اوجلان با هیچ‌گونه همراهی و هماهنگی عملی از سوی PKK هم همراه نباشد تا همین‌جای کار هم یک برد برای اردوغان و دولت باغچلی خواهد بود و اتفاقا در انتخابات بعدی سید آرای آنها را بیشتر خواهد کرد.

ک **به چه دلیل چنین باروی دارید؟**

چون با این بیانیه اوجلان، اولاً اسطوره و شوکسته شد و از همه مهم‌تر اینکه ایدئولوژی مبارزاتی چپ کردی نیز در هم فرو ریخت. چون تکلیف تمام آن ادعاها در مقابل مبارزات مسلحانه چریکی و همچنین مباحث مربوط به فدرالیسم و جدایی کردها با بیانیه اوجلان روشن شد. **ک** **پس باید بپذفت که با بیانیه عبدالله اوجلان و فراخوانش برای انتلال و خلع سلاح PKK. او هم به مرگ سیاسی دچار خواهد شد؟**

بله کار عبدالله اوجلان هم تمام شد؛ کماینکه برای بسیاری از رهبران منطقه این اتفاق افتاده است. در برهه‌ای محبوب بودند و در برهه‌ای منفور شدند که به خاطر جان و زندگی خودش سرنوشت یک ملت یا یک کشور را فدا کرد.

ک **اگر یک سناریوی سوم وجود داشته باشد چه؟**

چه سناریویی؟

ک **اینکه نه کل PKK پیام اوجلان را بپذیرد یا کل PKK فراخوان اوجلان را رد کند و در حالت سوم، بغضشی از PKK پیام عبدالله اوجلان را بشنود. این انشعاب و دوقطبی درون حزب چه سرنوشتی را برای PKK رقم می‌زند؟** اگر این انشعاب و دوقطبی شکل گرفت، جریان انشعابی در سایه فشار روانی، سیاسی، اجتماعی و رسانه‌ای پیام اوجلان مجبور است اقداماتی هیجانی و در عین حال انتحاری انجام دهد، تا جایی که پیام او برای مذاکره و کنارگذاشتن مبارزات مسلحانه و چریکی به حاشیه برود. **ک** **در این صورت جغرافیای جنگ جدید جریان انشعابی PKK کجا خواهد بود؟**

دو جغرافیا که یکی از آنها سوریه خواهد بود.

ک **در سوریه چطور؟**

در سوریه جریان انشعابی سعی خواهد کرد بازیگرانی مانند آمریکا و اسرائیل را در مقابل ترکیه قرار دهد. در این صورت معادلات برای اردوغان بسیار پیچیده خواهد بود، چون از نظر جغرافیایی، کردستان سوریه تقریباً مسطح است و بلندترین ارتفاع آن شاید به ۲۰۰ متر نرسد. ضمن آنکه جریان‌های کردی در تمام این ۳۰ درصد از خاک سوریه حضور کامل سیاسی و نظامی دارند. لذا ترکیه هیچ چاره‌ای جز بمباران و قتل عام گسترده کردها ندارد. برای اینکه جریان را روشن‌تر مطرح کنم یک سؤال دیگر از شما بپرسم که سال ۵۷ زمانی که احزاب دموکرات کردستان ایران و کومله جنگ را شروع کردند آخرین شهری که آزاد شد کجا بود؟

ک **پوکان…**

دقیقا که در سال ۶۱ این اتفاق افتاد؛ چون پوکان دشت است. اینجاست که احتمالا درگیری ارتش ترکیه در سوریه بسیار سخت و پیچیده خواهد بود.

ک **به باورتان ترامپ اهل جنگ با اردوغان در معادلات کردی هست؟**

نکته بسیار مهمی را مطرح کردید و به نظر من هم ریسک درگیری آمریکا با ترکیه بر سر کردهای سوریه بسیار بالاست و اینجاست که سناریوی دوم یا جغرافیای دوم مطرح می‌شود و می‌دانید کجاست؟ **ک** **با این تحلیل شما، قطعا ایران…**

بله؛ اتفاقا اخبار و گزارشاتی منتشر شده که اکنون بخشی از سلاح و تجهیزات از خاک سوریه به امتداد مرز با ایران منتقل شده است. پس مطمئنا معادلات منطقه بعد از انتشار پیام عبدالله اوجلان به نحوی می‌تواند امنیت ملی ایران را هم تحت‌الشعاع قرار دهد.

نگاهی به شکل‌گیری گروخاک دوباره در اردوگاه اصولگرایان و رویارویی یاران جلیلی و قالیباف

پرونده باز یک رقابت

پشت پرده دیدار ۶ تیرماه جلیلی، قالیباف و سردار قآنی



دوآوود حشمتی، ماجرای اختلاف قالیباف و جلیلی بر سر ماندن

و انصراف در انتخابات، یک بار دیگر در روزهای تشییع سیدحسن نصرالله داغ شد. حالا سعید جلیلی به صورت علنی پاسخ داد و رجانیز، از سایت‌های نزدیک به جلیلی، مدعی شده است که جلیلی ادعای قالیباف را همان زمان از دفتر رهبری بیگیری کرده و خلاف آن اثبات شده است. ماجرای این اختلاف چیست؟ ریشه‌های اختلاف در کجاست؟ چرا همچنان این دو در مقاطع مختلف به مسئله «انصراف» و سرنوشت انتخابات ۱۴۰۳ بازمی‌گردند؟ حالا تیم جلیلی روایت آن دیدار مهم در شب چهارشنبه ۶ تیرماه ۱۴۰۳ و دو روز مانده به انتخابات را که در مشهد برگزار شد، عیان کردند.

پشت پرده دیدار مشهد

انتخابات ۱۴۰۳ در حالی برگزار شد که دو ماه قبل از آن، تیم نزدیک به دولت رئیسی و نزدیکان سعید جلیلی از جریان اصلی اصولگرایان یعنی «شورای ائتلاف اصولگرایان» جدا شدند و با برند خود وارد انتخابات شدند. در روزهای منتهی به انتخابات اسفند ۱۴۰۲، حدادعادل که ریاست شورای ائتلاف اصولگرایان را برعهده دارد، با یک مثال شرایط را توصیف کرد. او معتقد بود در کنار هر «چنار»، تعدادی هم «پاجوش» بیرون می‌آید که مهم نیستند. به این ترتیب حدادعادل فهرست شورای ائتلاف (فهرست خودشان به رهبری قالیباف) را فهرست «چنارها» و فهرست جلیلی و حامیان رئیسی را «پاجوش‌ها» نامید. این رقابت به درون انتخابات ۱۴۰۳ هم کشیده شد. وقتی پاجوش‌ها توانستند قالیباف را از نفر اول تهران با یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار رأی به نفر چهارم (با ۴۰۰ هزار رأی) تبدیل کنند، قوت و قدرت بیشتری گرفته بودند. این‌گونه بود که معتقد بودند در انتخابات ریاست‌جمهوری اساسا یا قالیباف نباید ثبت‌نام می‌کرد یا اینکه باید قالیباف به نفع جلیلی کنار می‌رفت. این رقابت از همان ابتدای ثبت‌نام‌ها روشن بود. اما جلیلی حاضر نبود با قالیباف دیدار کند. نیز عیان هواداران دو نامزد ادامه داشت. هرکدام باید تلاش می‌کردند قبل از ورود به انتخابات، دیگری را حذف کنند. برای اوکاوی این موضوع به مقاله «کدام‌یک با دیگری ائتلاف می‌کند؟/ نامزد مقیم» منتشرشده در ۳ تیر ۱۴۰۳ در روزنامه «شرق» مراجعه کنید. در آن مقاله توضیح دادم چرا قالیباف و جلیلی ناگزیر هستند پیش از رقابت با پزشکیان یا بیدیکر رقابت کنند.

همان زمان به مسئله تلاش برای به انصراف کشیدن یکی از این دو نیز پرداخته بودیم. در هفته آخر منتهی به دور اول انتخابات ۱۴۰۳ اختلافات بالا گرفت. برخی از فرماندهان سپاه به صورتی غیرمحسوس اما واضح از قالیباف حمایت کردند. از جمله سردار حاجی‌زاده، اما تیم جلیلی به آن هیچ اهمیتی نداد. تا به هفته آخر دور اول انتخابات رسیدیم.

روایت دیدار

با سفر قالیباف به بیروت برای شرکت در مراسم تشییع پیکر شهید سیدحسن نصرالله، دو جریان اصلی اصولگرایان در فضای مجازی بار دیگر درگیر شدند. هواداران جریان اصلی اصولگرایان کنایه‌هایی به جلیلی زدند و نوشتند: «خدا نکند از کسانیکه به حرف سیدحسن گوش نکردند و با ماندن در انتخابات باعث شکست جریان انقلاب شدند»؛ اشاره آنها به سعید جلیلی بود. فشارها آن قدر زیاد شد که جلیلی ناگزیر در روز سه‌شنبه ۷ اسفند ۱۴۰۳ در نشستیکه به صورت هفتگی برگزار می‌کند، به این موضوع واکنش نشان داد.

او در پاسخ به یکی از حضار که از او دراین‌باره سؤال می‌کرد، گفت: «اساسا سیدحسن نصرالله با او دراین‌باره سخن نگفته و

هیچ درخواستی نکرده بود». درعین‌حال او روایتش از آخرین دیدار قبل از انتخابات با قالیباف به همراه سردار قآنی را بیان کرد. رجانیز هم بلافاصله در متنی موضوع را اوکاوی کرد و درباره جلسه ۶ تیر خیابان راهنمایی مشهد، توضیحاتی را به استناد حرف‌های جلیلی نوشت و البته ادعای جدیدی هم مطرح شد.

ما هستیم و تا آخر می‌مانیم

سعید جلیلی در آخرین روز تبلیغات انتخاباتی پس از سفر به شیراز، به مشهد رفت و در آنجا تاکید کرد که وقتی مردم از او دعوت می‌کنند، «تا آخر می‌مانم و با قدرت ادامه می‌دهم». یک هفته قبل، محسن رضایی جلساتی را برگزار کرده بود تا وحدت میان آنها را ایجاد کنند. مشخص نیست جلیلی در آن شرکت کرده بود یا نه. اما قالیباف مدعی بود مبنای مقبولیت و نظرسنجی‌هاست. در هفته آخر قالیباف در نظرسنجی‌ها افت کرد و جلیلی بالاتر نشان می‌داد.

در شب ۶ تیر جلسه‌ای با حضور قالیباف، سردار قآنی و قالیباف در خیابان راهنمایی مشهد برگزار می‌شود. جلیلی می‌گوید در آن جلسه «سردار قآنی نه به عنوان فرمانده نیروی قدس، بلکه به عنوان دوستی قدیمی و فردی که نزد هر دو طرف احترام داشت، در این جلسه حضور یافت».

براساس روایت رجانیز، در آن جلسه قالیباف اصرار می‌کند که او باید نامزد نهایی باشد. اما جلیلی گفته بود: «من اصراری ندارم کسی کنار برود». اما اگر قرار است کسی کنار برود، با همان استدلال‌های قبلی قالیباف، این خود اوست که باید کنارگیری کند؛ یعنی از آنجا که نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد قالیباف عقب‌تر است، او باید کنار برود. رجانیز مدعی است: «سردار قآنی نیز تایید کرد که منطق قالیباف همین بوده است».

نسبت خلاف به رهبری

در اینجا شرایط تغییر می‌کند. رجانیز مدعی است در این نقطه قالیباف گفته بود: «من برای ماندن، از طرف کسانیکه به من تکلیف کردند پیامِ حجت شرعی دارم». به نوشته رجانیز: «این بیان قالیباف، عملا این تصور را ایجاد کرد که شخص رهبری به او برای ماندن در انتخابات تکلیف کرده‌اند. جلیلی که به صداقت قالیباف اعتماد کرده بود، گفت اگر چنین سخنی از رهبری باشد، او کنار می‌رود، اما خواست تا فردا صبر کند».

استعلام از رهبری

روز آخر جلیلی از یکی از دوستانش می‌خواهد که وقتی

نگاهی به شکل‌گیری گروخاک دوباره در اردوگاه اصولگرایان و رویارویی یاران جلیلی و قالیباف

پرونده باز یک رقابت

پشت پرده دیدار ۶ تیرماه جلیلی، قالیباف و سردار قآنی



دوآوود حشمتی، ماجرای اختلاف قالیباف و جلیلی بر سر ماندن

از رهبری بگیرد و این مسئله را استعلام کند. سایت رجانیز در این زمینه نوشته است: «جلسه بدون هیچ اتفاق دیگری به پایان رسید. فردای آن روز، یکی از دوستان نزدیک به ستاد سعید جلیلی وقت کوتاهی برای دیدار با رهبری گرفت و پرسید که آیا این ادعا صحت دارد؟ رهبری در این دیدار کوتاه صراحتا اعلام کردند که من به کسی تکلیف برای ماندن یا نماندن نکردم. ایشان در ادامه نیز می‌فرمایند که هرچند افرادی پیش من آمدند تا من چنین سخنی را بگویم، اما من هرگز این موضوع را قبول نکردم».این‌موضوع از طرف جلیلی به قالیباف اعلام می‌شود. رجانیز می‌نویسد: «پس از برملاشدن این نسبت خلاف به رهبری، قالیباف اعلام می‌کند که تنها برداشت خود را درباره مواضع رهبری بیان کرده است». همین روند باعث شد که جلیلی در انتخابات باقی ماند و قالیباف هم کنارگیری نکرد. تیم جلیلی معتقد هستند که تیم قالیباف برای فرار از فشار در حال هزینه‌کردن از شهید سیدحسن نصرالله هستند.

وپسایت رجانیز دراین‌باره نوشته بود: «برخی از حامیان قالیباف پس از شکست، به انتشار دروغ‌هایی مانند حضور سیدحسن نصرالله در مشهد یا تماس او با جلیلی پرداختند. دروغ‌هایی که یکی پس از دیگری از سوی منابع خبری و رئیس ستاد سعید جلیلی تکذیب شدند». جلیلی در جریان جلسه «حکمت سیاسی» مدعی شده است که حتی خود قالیباف از این «دروغ‌حامیانش» تعجب کرده است. رجانیز هم به آنها کنایه می‌زند: «نه شخص قالیباف و نه تیم رسانه‌ای او برای تکذیب یا جلوگیری از انتشار این دروغ بزرگ درباره شهید نصرالله، کوچک‌ترین تلاشی نداشتند».

رقابتی که پایان نپذیرفته

بخش مهمی از انتقام‌گیری جریان پاجوش‌ها از دولت پزشکیان به همین مسئله هم بازمی‌گردد. آنها معتقدند اگر قالیباف در همان دور اول کنار رفته بود، جریان انقلابی شکست نمی‌خورد، بنابراین به باور آنها «وقاف» میان پزشکیان و قالیباف، درواقع ائتلافی است علیه جریان جلیلی و دولت رئیسی، بنابراین معتقدند که به موازات حمله به پزشکیان، باید قالیباف را نیز حذف کرد تا دوباره روند کند در انتخابات شرکت کند. به این ترتیب به نظر می‌رسد قالیباف هم از پنجره قطار این انقلابیون به بیرون هدایت شده است. او به همان سرنوشتی دچار شده که پیش‌تر، ناطق‌نوری، هاشمی‌رفسنجانی و علی‌لاریجانی گرفتار آن شده بودند.

گزارش

ناترازی یک استیضاح

این استیضاح در راستای اعمال بُعد نظارتی مجلس نبوده و نیست و همان‌طور که تاکید کردم،

به بی‌ثباتی اقتصادی بیشتر در کشور منجر خواهد شد.

استیضاح همتی معیشت مردم را بهبودنمی‌بخشد

بیست‌الله عبداللهی تاکید کرد: اگر استیضاح آقای همتی رای بیاورد، دوستان خواهند دید که معیشت کشور بهبود نخواهد یافت. بی‌تالله عبداللهی، نماینده مردم اهر و هریس در مجلس شورای اسلامی، درباره استیضاح وزیر اقتصاد گفت: مسبب مشکلات اقتصادی امروز کشور آقای همتی نیست. آقای پزشکیان نیز صراحتا به این موضوع اشاره کردند که تصمیمات اقتصادی در جلسه اقتصادی شورای سران گرفته می‌شود.

او ادامه داد: خیلی از تصمیمات اقتصادی نیز برعهده بانک مرکزی است، اما چون طبق قانون نمی‌توان رئیس بانک مرکزی را استیضاح کرد، مجلس به سراغ وزیر اقتصاد رفته است. استیضاح همتی کار یک سیاسی است. حتی یک سال هم از عمر دولت گذشته است. مطمئن باشید اگر آقای رئیس‌جمهور و وزیر اقتصاد به این نتیجه برسند که استعفاي آنان وضعیت معیشت را بهبود خواهد بخشید، این کار را می‌کنند. عضو هیات‌موسس برنامه و بودجه مجلس تاکید کرد: حتی اگر همتی هم برود، نرخ دلار کاهش چندانی نخواهد داشت. ساختار اقتصاد ما باید اصلاح شود و روابط خارجی ما باید جان بگیرد. ما با اکثر بانک‌های خارجی نمی‌توانیم ارتباط بگیریم. البته بخشی از اقتصاد ما نیز سیاسی شده است.

استیضاح وزیر اقتصاد؛ ادامه‌سیر بن‌بست اقتصادی

یک عضو حزب اعتدال و توسعه گفت: مجلسی‌ها می‌دانند که با استیضاح وزیر اقتصاد تغییری در معیشت مردم ایجاد نخواهد شد، بنابراین از مجلس انتظار می‌رود راهکارهایی را دنبال کند که به خروج از بن‌بست اقتصادی کمک کند.

رمضانعلی سبحانی‌فر با بیان اینکه استیضاح وزیر اقتصادرا اهنکار حل مشکلات اقتصادی نیست، بیان کرد: هم مردم و هم مجلسی‌ها در جریان هستند که مشکلات اقتصادی، یک دسته مشکلات ریشه‌ای و اساسی است و تا زمانی که ما درمان ریشه‌ای انجام ندهیم، وضعیت اقتصادی بهبود نخواهد یافت، بنابراین با رفتن یک وزیر اقتصاد و آمدن وزیر دیگری قطعا وضعیت اقتصادی بهبود پیدا نخواهد کرد. همان‌طور که در سال‌های گذشته و دولت سیزدهم نیز دیدیم که با تغییر رئیس کل بانک مرکزی تغییری در اقتصاد ایجاد نشد.

او در ادامه اظهار کرد: واقعیت این است که اقتصاد کشور ما درگیر مشکلات اساسی است و چاره‌کار استیضاح وزیر اقتصاد نیست. با جابه‌جایی افراد مشکلات اقتصادی حل نمی‌شود. نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی، تصریح کرد: انتظار ما از مجلسی‌ها این است که به‌جای این کارها، به راهکارهایی بپردازند که وضعیت اقتصادی کشور را از بن‌بست خارج کند. اغلب شاهد هستیم اقاباتی که منتقد وضعیت فعلی اقتصاد کشور هستند، از این زمینه نارضايتی برداشت‌های سیاسی می‌کنند.

این عضو حزب اعتدال و توسعه در ادامه تاکید کرد: درصورتی‌که اگر کسانی واقعا دلسوز نظام و به دنبال بهبود وضعیت معیشتی مردم هستند، باید به دنبال راهکارهایی خروج از بن‌بست اقتصادی باشند. به عنوان مثال مزایا و معایب بیوسنت به افای‌تی‌اف را برای مردم تبیین کنند. یا مردم صادقانه صحبت کنند و راهکارهای بهبود وضعیت اقتصادی را مطرح کنند. سبحانی‌فر افزود: زمانی که ما صادرات انجام می‌دهیم، اما پول آن با هزینه بالایی به کشور بازمی‌گردد، چه آسیبی به اقتصاد کشور وارد می‌کند. باید اقتصاد کشور را از این بن‌بست‌ها خارج کرد تا وضعیت مردم بهبود پیدا کند. متأسفانه عده‌ای فعل را رها کرده و صرفا به شاخه و برگ‌ها می‌پردازند. انتظار از مجلس ارائه راهکار مناسب برای خروج از بن‌بست اقتصادی است، نه رفتن به سراغ استیضاح وزیر اقتصاد.